

ز - محدودیت، شرط گسترش آزادی در جهان است

چنانکه یاد شد، محدودیت در انتخاب‌ها و گزینش‌ها در سطح خارجی از یک سو و "فراروندگی" اراده‌های فردی و اراده ملی در سطح داخلی از سوی دیگر، دو نتیجه بزرگ انقلاب برای دولت و جامعه ایران و سیاست خارجی آن است. این دومی، خود اصلی است که آگاهانه و مصممانه از جهان واقعیتهای تجربی پیرامون خود فراتر می‌رود و آنها را به سوژه و ابزار فرا رفتن خود بدل می‌سازد. اما این آزادی و اراده استعلا، در عین حال که جهان واقعیات موجود را به سوژه ما بدل می‌کند، در همان حال، آن را به مانعی برای تحقق خواست‌های ما نیز بدل می‌کند و به بیان دیگر، واقعیات موجود در برابر اراده تغییر مقاومت می‌کنند. فقط در حالت فرضی رخوت و مرگ جهان است که مقاومتی علیه خواست فرد (و افراد) وجود ندارد. به تعبیر کانت، "تعارض (آنتاگونیسم) وسیله‌ای است که طبیعت برای پرورش همه ظرفیت‌های خود از آن بهره می‌گیرد. در نبود تعارض اجتماعی همه استعداد‌های بشر در مرحله آغازین خود، در شبانکارگی، می‌ماند و افراد چون گوسفندان رام چوپان هیچ چیز ارزشمندی برای زندگی خود به دست نمی‌آورند". این عبارت نیز از کانت است؛ عبارتی که درست یا غلط گوهر اندیشه لیبرالی وی نام گرفته است: طبیعت را ستایش می‌کنم به خاطر سرکشی، روح رشک‌آور و غرور انگیز در رقابت و نیز میل سیری‌ناپذیر به تملک و فرمانروایی، چه بی‌آن

استعدادهای ذاتی و والای بشر همیشه ناشکفته و پرورش نیافته باقی خواهد ماند.

در جهان انسانی نیز محدودیت‌ها شرط شکوفایی آزادی و خلاقیت است. منظور از محدودیت نیز محدودیت‌های مؤثر است. می‌توان به سهولت پذیرفت که در جریان تکوین تمدن‌ها، شکست و اشتباه بیشتر از موفقیت و محاسبات درست بوده است. یاسپرس حتی بر ملازمت طراحی و ناکامی با هم اصرار می‌ورزد و می‌گوید: "شیفتگی برای خلاقیت، همیشه با آمادگی برای پذیرش شکست ملازمت دارد" و این حکم همان میزان که در مورد فرد مصداق دارد در مورد اقدامات گروه‌های انسانی و اراده‌های جمعی آنان نیز صادق است. یاسپرس معتقد است که اصولاً هر نوع عمومیت ورزیدنی خطر کردن است. اما در هر حال باور به ضرورت مقاومت در برابر امکان شکست، بستگی به شدت اراده و تمایل یک جماعت (یا فرد) به دگرگونی دارد.

امر اخلاقی است که به اراده انسان‌ها، شدت اعطا می‌کند و جلوی شکست آن را می‌گیرد. اصولاً، چنانکه یاد شد، آزادی محصول عمل به اراده‌ای اخلاقی است، یعنی نتیجه عمل به "باید" یا به "تکلیف" است. همچنان که آزادی محصول تکلیف است، متقابلاً حس تکلیف نیز از آزادی برمی‌خیزد. به تصریح هانری برگسون، فقط فرد آزاد احساس تکلیف می‌کند.^۷ بدین نحو، اصل آزادی با حرکت از قوه به فعل، به خود استعلا می‌دهد. حس تکلیف یا باور به "باید" اراده‌ای خالصاً انسانی (غیر

متأثر از شرایط عینی و فیزیکی) است که از عشق، علاقه یا ذوق انسان برمی‌خیزد.

بدین ترتیب در حالی که یک نیروی اصلی تحقق آزادی، عشق یا میل درونی و مستقل به کمال ورزیدن و استعلا و پذیرش تکلیف است، یک نیروی اصلی مقاومت در برابر آزادی و در خلق محدودیت‌ها نیز می‌تواند نفرت باشد. نتیجه آنکه، در حالی که نیروی تحقق آزادی شدید است، نیروی ممانعت از آزادی نیز شدید است. پشتوانه میل به تغییر، عشق و پشتوانه محدودیت و مقاومت در موارد عمده‌ای، نفرت است. از همین‌روست که ریمون آرون در مقدمه خود بر کتاب مرد علم و مرد سیاست ماکس وبر، می‌نویسد عشق و نفرت دو نیروی اصلی در درک [تحولات] جهان جدیدند.^۴

عشق یا تمایل اخلاقی به استعلا و کمال، نیروی تحقق آزادی است.* این عشق یا تمایل اخلاقی، میلی خود انگیخته و مستقل در انسان است که شجاعت مواجهه با شرایط سخت ناشی از داعیه‌گری امر تازه را در او ایجاد می‌کند. براساس این شجاعت و بر بنیاد اساسی‌ترین و عمیق‌ترین تصمیم‌ها، او به رویارویی یا حد نهایی طاقت و توان بشری در سخت‌ترین اوضاع زندگی می‌پردازد و بدین سان به ژرفنای هستی راه

* امام خمینی (ره) می‌گویند: (نقل به مضمون) همه می‌خواهند به خدا برسند منتهی خود خبر ندارند.

می‌یابد. با انقلاب اسلامی، جامعه ایرانی شرایطی آگزیستانس را برای خود برگزید: تلاشی بی‌پایان برای زایش نظم جدیدی از امور، از خلال تضاد و تقابل اندیشه‌ها و کشمکش‌های وجودی و تصمیم‌های اساسی خطیر و هراس‌انگیز. انقلاب اسلامی و لاجرم دولت جمهوری اسلامی خود را در تصمیم‌های جسورانه و تعهدات جدید بنیاد نهاد، اما انقلاب اسلامی و دولت آن با این تصمیمات و تعهدات تمام نمی‌شود، بلکه این شرایط و مقاومت‌ها در برابر آن تعهدها و تصمیمات است که انقلاب اسلامی را در حالت هستی سر زنده خود نگاه می‌دارند. انقلاب و جمهوری اسلامی برای تعالی خود محتاج محدودیت‌ها هستند. محدودیت‌ها و مقاومت‌های شدید و گسترده علیه سخن انقلاب اسلامی و دولت آن، دلیلی قاطع بر اصالت، عظمت و خلاقه بودن انقلاب ایران و نتیجه سیاسی این انقلاب یعنی جمهوری اسلامی است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شکست جزء هزینه است. شکست معنای ستایش‌انگیزی دارد. زیرا نتیجه اراده انسان به تغییر نظم موجود امور است. شکست رمز چیزی است که بسی گسترده‌تر و بالاتر از ماست. این شکست است که ما را به خودمان ارجاع می‌دهد. اصولاً انسان با "خود" راستین خود در حالت‌های سر حدی یا مرزی‌اش روبرو می‌شود. حالت‌های سر حدی عبارتند از مرگ، رنج، گناه، رویدادهای ناگهانی و عشق؛ و شکست نیز از آن زمره است.

در هر حال عظمت به هزینه منجر می‌شود. این شاید یک قانون است که ظهور امر بالقوه عظیم، سپس به ظهور بالفعل هزینه‌های مادی و اجرایی

عظیم منتهی می‌شود و آنگاه از طریق پرداخت هزینه‌ها، عظمت فعلیت می‌یابد. عظمت و هزینه‌های آن، بیان هنجاری‌تری از همان دوگانگی آزادی و محدودیت است.

در هر حال، محدودیت‌های خارجی علیه سیاست خارجی دولت انقلاب اسلامی با همه اهمیت و برجستگی خود، چنانکه تاکنون قابل درک گردیده، بحثی فرعی و دارای تقدم بعدی است. بحث اصلی آن است که آزادی انقلاب اسلامی در خدمت تأسیس جهان جدید و خلق انسانیتی جدید (یعنی اخلاقی) بود. محدودیت‌ها علیه این آزادی طلبی از خود جهان یا وضع اگزیستانس جهان علیه اراده انسانی برمی‌خیزد. مقاومت‌ها در اساس، نه از سوی آمریکا و علاقمندان به نظم قدیم بلکه از سوی خود جهان است. جهان در برابر ساخته شدن و انسانی شدن مقاومت می‌کند. جهان به قول یاسپرس یک ویرانی دایمی است که انسان باید آن را بسازد. جهان بدون اراده انسانی و اعمال آزادی توسط او پایگاهی برای بودن و هستی به دست نمی‌دهد. واقعیت جهانی یک کلیت قابل اتکاء نیست. همه چیز بعد از ظهور اراده انسانی آغاز می‌شود. جهان در برابر ساخته شدن و جلوه انسانی به خود گرفتن مقاومت می‌کند. مقاومت آمریکا در برابر آزادی ناشی از انقلاب ایران، با همه ضرورت، اهمیت و گستردگی خود، چیزی بیشتر از مثالی برای مقاومت در برابر اراده دسته جمعی برای زایش جهان جدید نیست. بر این اساس، مشکلات و محدودیت‌ها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، علاوه بر آنکه باید

تحمل شوند، باید ستایش شوند، زیرا این مشکلات و محدودیت‌ها دلیل عظمت پیام آزادی‌بخش انقلاب ایران است؛ به عبارتی، دلیل ظهور امری عظیم در جهان است. عظمت معجزه‌گون انقلاب، اسلامی همچنان شایان شناسایی است و می‌تواند فرد را به یاد این سخن ادموندبرک بيفکند که به نحوی متشابه و قابل قیاس با انقلاب اسلامی گفته بود "به نظرم می‌رسد... با در نظر گرفتن تمامی جوانب، انقلاب فرانسه شگفت‌آورترین پدیده‌ای است که تاکنون در جهان اتفاق افتاده است..."^۹

ح - تقدیر جدید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی از انقلاب اسلامی ناگزیر است. به نحوی مشخص‌تر، فضای عمل و حوزه ابتکارات در سیاست خارجی جمهوری اسلامی نه چندان به وسیله پتانسیل‌های ساختاری ما و توانایی‌های کارکردی دستگاه دیپلماسی کشور، بلکه عمدتاً به وسیله محدودیت‌های ناشی از انقلاب اسلامی تبیین می‌شود. این محدودیت‌ها محتوم و جبری نیستند اما فقط به وسیله روح فرارونده و فکر جسورانه‌ای که در ایرانیان خانه کرده و هدایی انقلاب اسلامی به آنها است، می‌توانند برطرف شوند؛ به عبارت دیگر، محدودیت‌های خارجی ناشی از انقلاب اسلامی، اول و قبل از هر چیز، با شجاعت و جسارت درونی برخاسته از انقلاب اسلامی چاره‌شدنی است. در صورت عدم وجود این عنصر، هیچ یک از مزایای از قبل موجود اعم از اینکه ساختاری، دیپلماتیک و یا استراتژیک باشند، به کار کاهش محدودیت‌ها نخواهد آمد. آنچه ناشی از انقلاب است، فقط به